



حمایت غیر کیفری از بزهدیدگان بیوتروریسم؛ مطالعه اسناد بین‌المللی و حقوق ایران

نصرت حسن زاده^۱
بابک پورقهرمانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده

برقراری امنیت و سلامت در جوامع انسانی از نیازهای اولیه بشر است که در مواردی با انجام عملیات تروریستی و حملات بیولوژیکی با استفاده از میکروارگانیزم‌ها به خطر می‌افتد و افراد را دچار بیماری‌های ناشناخته نموده و تهدیدی علیه بهداشت و ایمنی اجتماعی تلقی می‌گردد؛ از این جهت، باید آن را ناقض آشکار حقوق بشر و حقوق بین‌الملل توصیف نموده که از طریق ایجاد ترس و وحشت، تهدیدات خود را عملی می‌سازد. از طرفی تأثیراتی که این حملات بر روی امنیت جامعه، حیات اشخاص و نسل‌های بعدی می‌گذارد، بیانگر این موضوع می‌باشد که بایستی حمایت از افراد در برابر تهدیدات مد نظر سیاست‌گذاران کیفری و در نهایت قانونگذاران کشورها قرار گیرد. بنابراین بایستی این جرم در ابعاد سیاسی و اجتماعی، در قوانین داخلی ایران، به ویژه در حوزه‌های آب، هوا، خاک، پوشش گیاهی و حیات وحش جرم انگاری گردیده و در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در هر دو بُعد ماهوی و شکلی مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد. این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است که "چگونه می‌توان از بزهدیدگان بیوتروریسم حمایت غیر کیفری به عمل آورد." این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی به ارائه تصویری از ماهیت بیوتروریسم، عوامل دخیل در آن و شناخت نیازهای بزهدیدگان پرداخته و راهکارهای متناسب با این جرم با تأکید بر راهکارهای غیر کیفری را ارائه نماید.

کلید واژه‌ها

بیوتروریسم، بزهدیده، حمایت غیر کیفری، حمایت قضایی، جبران خسارت.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، آذربایجان شرقی، ایران. a_yousefi_2005@yahoo.com
^۲ دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، آذربایجان شرقی، ایران. (نویسنده مسئول): b.pourghahramani@yahoo.com

ایجاد امنیت پایدار در همه زمینه‌ها، یکی از وظایف دولت‌ها در صحنه ملی و بازیگران خارجی در صحنه بین‌المللی است. تروریسم و به ویژه بیوتروریسم از جمله مواردی هستند که این امنیت را با خدشه مواجه می‌سازند و عده‌ای را قربانی مطامع خود می‌نمایند. در میان شقوق مختلف تروریسم، حملات بیوتروریستی بیش از سایر حملات خطرناک بوده و بر امنیت خدشه وارد می‌آورند. چرایی این امر آن است که اول، هزینه بهره از این عوامل دو هزار بار کمتر از جنگ افزارهای معمول است (غمامی، ۱۳۸۶: ۵۰). دوم، آنکه تولید این مواد نیاز به تکنولوژی خاصی نداشته و در یک آزمایشگاه نیز قابل تولید است. به همین دلیل، هر گروهی مانند گروه‌های تروریستی می‌توانند به راحتی به آن دسترسی یابند. سوم، بهره‌گیری از آن بسیار ساده است. کافی است این مواد در گوشه‌ای از خیابان یا در آب سدی رها شده و باعث گسترش ناگهانی آن در محیط شود. چهارم، محدوده تأثیر این مواد کنترل پذیر نیست و ممکن است هر فردی اعم از زن و مرد، کودک و بزرگسال و کهنسال، نظامی و غیرنظامی را درگیر کند (بایلی، ۱۳۷۵-۱۴-۴). پنجم، فاصله میان ظهور نشانه‌های بیوتروریسم و رفتارهای تروریستی به حدی است که مرتکین آن می‌توانند بدون هیچ گونه دغدغه از بازوان دستگاه‌های عدالت کیفری رها شده و خود را پنهان کنند (کارگری، ۱۳۹۱: ۳۰۸). از سوی دیگر، بخلاف دیگر حملات، دشواری مقابله با این عوامل بیولوژیک نیز باید مدنظر قرار گیرد.

علاوه بر این، بهره‌گیری از عوامل عفونی به عنوان سلاح‌های بیولوژیک برای اهداف نظامی و بیوتروریستی باعث شده با وجود پیشرفت‌های علم پزشکی و پیدایش واکسن و مراقبت‌های بهداشتی درمانی در پایان قرن بیستم، بیش از سی بیماری نوظهور یا ریشه کن شده، مجدداً پدیدار شود. روند رو به رشد بهره‌ورری از این عوامل بیولوژیکی باعث شد که امروزه کشورها در مواجهه با یکدیگر جهت اقدامات تروریستی از سلاح‌های بیولوژیک که می‌تواند در حجم وسیعی خسارت بهره‌گیرند (Guillemin, ۲۰۰۵: ۳۴). بنابراین، آثار این نوع تروریسم نه تنها امنیت ملی بلکه امنیت بهداشتی را در طول زمان عمر یک ملت تحت تأثیر قرار می‌دهد، از نظر تاریخچه این نوع حملات، بهره‌گیری از ویروس‌ها و باکتری‌ها و سایر عوامل بیماری‌زا برای بیمار کردن افراد در حیوانات و صدمه به محیط زیست، هر چند جدید نیست در دوران جدید به ویژه در قرن بیستم به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته و نه تنها باعث مرگ و صدمه به بیان آن فرد شده است، بلکه هراس ناشی از آن باعث شده تا نام بیوتروریسم بر آن گذارده شود. (قزوینی و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۱) آثار مخربی که از طریق این نوع سلاح‌ها بر بزه‌دیدگان وارد می‌گردد، آنها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد که به جز حمایت کیفری و پیگیری‌های قضایی، لازم است

حمایت غیر کیفیری برای بازگرداندن این افراد به زندگی - نه چندان طبیعی - به عمل آید تا بتواند در صدی از آلام آنها را کاهش دهد. تبیین و نقش مؤثر تصمیم گیرندگان در صحنه ملی و بین المللی در قالب اسناد مصوب، می تواند در حمایت از بزه دیده مؤثر واقع گردد.

۱. مفاهیم و تعاریف

۱-۱. تعریف بیوتروریسم

"بیو" به معنای زیست و زندگی می باشد. (عمید، ۱۳۸۶، ص ۳۰۰) "ترور" در فرهنگ فارسی به معنای ترس زیاد، بیم، هراس، خوف، وحشت و در اصطلاح سیاست به معنای: کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت میان مردم معنی شده است. (عمید، ۱۳۸۶، ص ۳۰۰) بیوتروریسم عبارت است از استفاده از میکروارگانیسم های بیماری زا و یا سموم بیولوژیک علیه افراد نظامی و غیر نظامی و شهروندان بی دفاع برای نیل به اهداف شخصی و سیاسی (حسینی دوست، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰ و ۲۳۶) بنابراین عواملی از این میکروارگانیسم ها در حملات بیولوژیک مورد استفاده قرار می گیرند که بیماری زا بوده و دارای ویژگی های خاص جنگی می باشند. (مینایی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

بر اساس تعریف پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۷، بیوتروریسم عبارت است از: منتشر کردن عوامل بیولوژیک یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان ها، حیوانات و گیاهان با قصد قبلی و به منظور وحشت آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته ای سیاسی یا اجتماعی. (<http://www.vaja.ir>) در تعریفی دیگر: "بیوتروریسم عبارت است از وسیله ای که به منظور انتشار عمدی ارگانیسم های مولد بیماری یا فرآورده های آنها توسط غذا، آب، حشرات ناقل یا به صورت افشانه، به کار برده می شود." و یا "ترور بیولوژیک یا بیوتروریسم نوعی اقدام تروریستی است که شامل انتشار عمدی عوامل بیولوژیک از قبیل باکتری ها، ویروس ها یا سموم می شود. این میکروب ها ممکن است به شکل طبیعی شان یا به فرم دستکاری شده انسان باشند." (paydarymelli.ir > news)

۱-۲. تاریخچه بیوتروریسم

قدمت به کارگیری میکروب ها علیه انسان ها در جنگ های مختلف به هزاران سال قبل یعنی زمانی که بشر حتی میکروب را نمی شناخته باز می گردد. شاید مشهورترین نمونه بیوتروریسم هنگام محاصره یک شهر به وقوع می پیوست که در آن، دشمن جنازه فردی طاعون زده یا حیوانی متعفن را که محل پرورش میکروب های مختلف بود، روی یک منجنیق گذاشته و آن را به داخل

قلعه یا شهر می‌انداخت تا موجب مریضی و مرگ ساکنین شهر یا نظامیان گردد. اگرچه سوء استفاده از عوامل بیماری‌زا از قرون دور دست تاریخی شروع شده است ولی در خلال جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم، این برنامه‌ها وسعت زیادی یافته، به نحوی که به تدریج عنوان سلاح میکروبی در ادبیات نظامی به جنگ‌افزار بیولوژیک ارتقاء پیدا کرد. (حسینی دوست، ۱۳۸۱، ص ۱) اما شاید مشخص‌ترین نمونه ترور بیولوژیکی در جنگ جهانی اول به وقوع پیوسته باشد. مدت کوتاهی بعد از آغاز جنگ جهانی اول، آلمان یک کمپین خرابکاری بیولوژیکی در ایالات متحده، روسیه، رومانی و فرانسه راه انداخت. در آن زمان، یک دانشمند آلمانی به نام آنتون دیلگر در یک روستا در آلمان زندگی می‌کرد اما در سال ۱۹۱۵، به منطقه‌ای در ایالات متحده فرستاده شد که حامل کشت‌هایی از مسمشه (بیماری بدخیم و کشنده حیوانات و چهارپایان) بود. دیلگر یک آزمایشگاه در خانه‌اش در مرلند به راه انداخت. او با کار روزانه در لنگرگاه‌ها در بالتیمور، اسب‌ها را در حالیکه برای انتقال به انگلستان منتظر بودند، به مسمشه آلوده می‌کرد. (> paydarymelli.ir news) کاربرد این مواد در تروریسم وسعت زیادی به خود گرفته و آخرین آنها توسط تروریست‌های داعش در مناطق اشغال شده عراق و سوریه بکار گرفته شد.

همچنین طی جنگ جهانی اول ارتش آلمان به آلوده کردن علوفه حیوانات و احشامی که برای متفقین ارسال می‌شده است پرداخته، گوسفندانی که از رومانی به روسیه ارسال می‌شده اند را با باسیل آنتراکس آلوده می‌کند و دست به آلوده کردن ۴۵۰۰ رأس قاطر متعلق به سواره نظام فرانسه با بور خلوداریا مالی می‌زند. ژاپن در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۲ در منطقه منچوری چین مواد مرتبط با جنگ‌های بیولوژیک خود را در زندانیان این شهر به آزمون می‌گذارد و زندانیان پس از آلوده کردن به باسیل آنتراکس، مننگوکوک، شیگلا، بورخولدریا مالئی، سالمونلا، ویبریوکلرا، یرسینیاپستیس، ویروس آبله و سایر عوامل عفونت‌زا مورد مطالعه قرار داده و تعداد از شهرهای کشور چین را مورد حملات بیولوژیک قرار می‌دهد منابع آب و غذای آنان را با عامل سیاه زخم، شیگلا... می‌آلاید و محیط‌های کشت عوامل میکروبی را به سوی خانه‌های مسکونی پرتاب نموده و یا بوسیله هواپیماهای نظامی و به صورت افشانه به سوی آن‌ها شلیک می‌نماید و حتی در حملات هوایی خود هربار حدود پانزده میلیون کک آلوده به باسیل طاعون را به سوی مردم آن کشور رها می‌نماید (حاتمی، ۱۳۸۹).

۱-۳. تروریسم زیست محیطی

استفاده از عوامل بیولوژیکی برای ایجاد آسیب یا مرگ و میر، مفهوم تازه‌ای نیست و کشورها سال‌های زیادی است که با بیوتروریسم درگیرند. پتانسیل تخریبی اثر بیوتروریسم به عوامل

زیادی از جمله نوع عامل، میزان انتشار، روش‌های انتشار، روش‌های انتشار و آمادگی جمعیت برای مقابله با آن بستگی دارد.

تأثیرات حمله بیولوژیک، علاوه بر اینکه سبب ایجاد رعب و وحشت و بروز بیماری‌ها می‌شود، از لحاظ زیست‌محیطی نیز می‌تواند آسیب‌هایی را بر انسان، حیوانات و گیاهان وارد آورد و سبب آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب شوند. با بررسی عوامل بیوتروریسم می‌توان به این نتیجه رسید که بیوتروریسم در مواردی که بر محیط زیست تأثیر می‌گذارد. همانند جایی که منبع آب آلوده می‌شود، همان تروریسم زیست محیطی است. در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ بحث بیوتروریسم مطرح شده است، بند "۳" و بند "۵" ماده ۱ از این قانون مقرر کرده است: «تولید، تملک، اکتساب، انتقال حمل، نگهداری توسعه با انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)».

۱-۴. ترورهای بیولوژیک در جهان

سیاستمداران آمریکا ابایی از سوء استفاده از عوامل بیماری‌زا علیه ملت خود و نیز ملت‌های دیگر نداشته‌اند. طبقه زر مدار جهانی علاقه‌مند به استفاده از ابزار بیماری‌ها برای کنترل جمعیت جهان و کسب منافع اقتصادی مد نظر خود هستند. جنگ افروزی‌های مختلف، ایجاد قحطی‌های برنامه‌ریزی شده در جهان و نیز شیوع دادن بیماری‌های واگیردار در سطح بسیار وسیع از مهم‌ترین ابزارهای مورد توجه مدیران نظم نوین جهانی برای رسیدن به جمعیت مورد نظر خود بر روی کره زمین می‌باشند. نمونه‌های بسیاری از این نوع از تروریسم توسط برخی کشورها و در رأسشان آمریکا می‌باشد هم در آمریکا و هم در دیگر کشورها (به خصوص آفریقا) مورد آزمایش و تست انسانی قرار گرفته است و خسارات جبران ناپذیری بر بشریت وارد نموده است. بدین لحاظ بیوتروریسم تبدیل به یک ژانر سینمایی گردید و فیلم‌های بسیاری در آمریکا و برخی کشورهای دیگر با این موضوع بر پرده سینما رفته است. در واقع نظام آمریکا در برهه‌های مختلف جهت‌گیری‌های بیوتروریستی ویژه‌ای داشته است که برخی از آنها افشا شده و تحقیقات مفصلی در مورد آنها انجام گرفته است. برخی از نمونه‌های این بیوتروریسم عبارتند از:

۱-۴-۱. هانتا ویروس‌ها در پارک ملی یوسمیت آمریکا (پذیرای سالانه هزاران طبیعت گرد از سراسر جهان): اخیراً در پارک ملی یوسمیت آمریکا یک بیماری مسری ناشناخته که موجب عفونت دستگاه تنفسی می‌شود، گزارش شد. به سرعت مشخص شد که عامل بیماری نوعی ویروس از خانواده هانتا ویروس‌ها است. تاکنون درمانی قطعی برای بیماری‌های ایجاد شده با

هانتاویروس‌ها یافت نشده است و ۳ نفر در اثر این بیماری مرده و حدود ۸۰۰۰ هزار نفر از بازدیدکنندگان این پارک ملی که طی ماه‌های ژوئن و آگوست از این پارک بازدید کرده‌اند، مشکوک به آلودگی هستند. به گزارش یو اس آ تودی و دیگر منابع بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که افراد مشکوک به برخورد با عامل بیماری زا به ۲۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است که ۲۵۰۰ نفر از آنها توریست‌هایی بوده‌اند که از ۴۰ کشور مختلف طی تابستان ۲۰۱۲ برای بازدید از پارک آمده بوده‌اند. به نظر می‌رسد که این بیماری از جوندگان منشا گرفته و قابل سرایت از انسان به انسان نیز می‌باشد. مقامات بهداشتی آمریکا مرگ‌زایی هانتاویروس‌ها را ۳۶ درصد تخمین می‌زنند که در مقایسه با برخی از بیماری‌ها مانند آنفولانزا بسیار بیشتر است. (<http://www.cbsnews.com>)

۱-۴-۲. آزمایشگاه انسانی بیوتروریسم در آمریکا: در ۱۹۴۳م. ارتش آمریکا در ایالت یوتا اولین تحقیقات خود برای ساختن بمب‌های میکروبی و ویروسی را آغاز کرد. در ۱۹۴۵ با در اختیار گرفتن محققین ارتش شکست خورده ژاپن این تحقیقات توسعه یافت و بلافاصله آزمایشگاه فورت دیتریک^۱ در ایالت مریلند به مرکز اصلی تحقیقات تسلیحات بیولوژیک تبدیل شد. در ۱۹۵۲ ارتش با سیار وارد همکاری شد و مقدمات آزمایش‌های پنهانی عوامل ساخته شده بر روی انسان فراهم گردید. افراد بی‌نام و نشان و نیز مردم کشورهای مختلف مورد هجوم خاموش ویروس‌ها و باکتری‌های ارتش آمریکا قرار گرفت. در ۱۹۵۶ «عملیات شهر بزرگ» انجام شد که طی آن بخشی از مردم آمریکا را در معرض مواد بیماری‌زای تولیدی در آزمایشگاه‌های ارتش قرار دادند تا تاثیر این تسلیحات را در زندگی واقعی مردم ببینند. در ۱۹۶۵ شهر شیکاگو را با باکتری باسیلوس سابتیلیس آلوده کردند تا الگوی شیوع بیماری را بیابند. در دهه ۷۰ نیز جهت گیری تسلیحات بیولوژیک آمریکا به سمت ویروس‌های ترکیبی بود که ویروس ایدز یکی از دست آوردهای این دوره می‌باشد. (<http://www.journaliststoolbox.org>)

۱-۴-۳. آزمایشگاه انسانی بیوتروریسم در آفریقا: در دهه ۶۰ تا ۷۰ قرن ۱۹م. ارتش آمریکا بیماری‌های مختلفی در آفریقا شیوع داد تا چگونگی شیوع و سرعت گسترش آن‌ها را برای استفاده در طراحی بمب‌های بیولوژیک و نیز مقابله با حمله احتمالی از طرف شوروی به کار بندد. وبا، تیفوئید، فلج اطفال، طاعون، ایدز و آبولا از جمله بیماری‌های بررسی شده بر روی مردم آفریقا بود. کشور آفریقای جنوبی در آن زمان به صورت مرکز هماهنگی و شعبه‌ای از آزمایشگاه فورت

^۱ Fort Detrik

دیتریک^۱ برای انجام این جنایات در آفریقا درآمده بود. (<http://www.strategic-culture.org/news>)

۱-۴-۴. استفاده از واکسن برای آلوده‌سازی مردم آفریقا: آمریکا و شوروی و رژیم صهیونیستی در دوران جنگ سرد، تحقیقات قابل توجهی در زمینه سلاح‌های بیولوژیک انجام دادند و کشورهایمانند چین و کره شمالی قربانی سلاح‌های میکروبی آمریکا طی جنگ کره در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ شدند. در سال ۱۹۷۲ آمریکا معاهده منع توسعه تسلیحات بیولوژیک را امضاء کرد؛ با این حال، سیاست مداران چند چهره آمریکایی باز نیرنگ و فریب به کار بسته و از معاهده عدول کردند. بدین ترتیب که در سال ۱۹۸۶، پنتاگون مبلغ ۴۲ میلیون دلار را به انجام تحقیقات گسترده بر روی بیماری‌های مسری و ترکیبات سمی در اختیار ۲۴ دانشگاه آمریکایی قرار داد. رژیم صهیونیستی نیز همپای آمریکا بارها تهدید کرده است که در جنگ‌هایش از سلاح‌های رایج کشتار جمعی و از جمله سلاح‌های بیولوژیکی استفاده خواهد کرد؛ اما هیچ قطعنامه‌ای علی این تهدید صادر نشد. (<http://www.strategic-culture.org/news>)

۱-۴-۵. سابقه استفاده از هانتاویروس‌ها در تسلیحات بیولوژیک: استفاده از هانتاویروس‌ها در تسلیحات بیولوژیک به جنگ کره بر می‌گردد. آمریکا برای اولین بار در این جنگ از این ویروس استفاده کرد که به دلیل ناتوانی در کنترل شیوع آن ۳۰۰۰ نفر از سربازان آمریکایی نیز در اثر ابتلا به این ویروس جان خود را از دست دادند. رابرت مک نامارا وزیر دفاع وقت آمریکا را مغز متفکر تسلیحات بیولوژیک آمریکا می‌دانند. از او به عنوان طراح پروژه ویروس ایدز و اشاعه آن در میان همجنس‌بازان آمریکایی و آفریقایی‌ها یاد می‌شود. پرفسور آنتونی ساتون از اساتید دانشگاه کالیفرنیا در کتاب خود به عنوان «تاسیسات سری آمریکا: مقدمه‌ای بر نظم مجموعه‌ها و استخوان‌ها» اشاره می‌کند که ویروس بیماری ایدز در آزمایشگاه‌های ارتش آمریکا و با پشتوانه بودجه کنگره آمریکا ساخته شد و هدف آن تحقق بخشیدن به خواسته اشراف جهانی برای کاهش و کنترل جمعیت جهان بوده است. (<http://www.cbsnews.com>)

۱-۴-۶. بیوتروریسم دولتی آمریکا در خلیج مکزیک: ایان کرن^۲ یکی از مدیران اجرایی در صنعت نفت که بعدها به فعالیت‌های حقوق بشری روی آورده است در سال ۲۰۱۰ طی مصاحبه‌ای با صدای آمریکا اعلام کرد که هدف اصلی از طرح‌های توسعه‌ای در خلیج مکزیک از بین بردن

^۱ در سال ۱۹۲۹ در ناحیه فردریک ایالت مریلند یک فرودگاه شهری کوچک تاسیس شد و در ۱۹۴۲ به پایگاه کامل هوایی ارتش تبدیل و در ۱۹۴۳ تبدیل به آزمایشگاه‌های تسلیحات بیولوژیک ارتش آمریکا را با بودجه‌ای بیش از یک میلیون دلار گردید. تا سال ۱۹۴۵ و پایان جنگ دوم جهانی لابراتوارهای پایگاه تحقیق بر روی عوامل بیماری‌زای فراوانی را آغاز کردند.

^۲ Ian Crane

مردم منطقه است. بر اساس گزارش‌های محلی در این منطقه حدود ۱۰۰ هزار نفر به نوع خاصی از آنفولانزا که از آن با نام طاعون ابی نیز یاد می‌شود مبتلا شده بوده‌اند و میلیون‌ها نفر هم اکنون در معرض چنین بیماری‌هایی هستند. در فوریه ۲۰۱۱ مایکل ادوارد که یک نظامی بازنشسته است مقاله‌ای با عنوان «طاعون آبی خلیج یک بیوتروریسم دولتی رسمی است» انتشار داد که در آن می‌نویسد: «این جنگ بیولوژیکی که به صورت هدفمندی مهندسی شده است؛ به زودی با انتقال افقی ژن‌های دستکاری شده و گسترش آن از طایفه هوا و آب به یک جنگ جهانی منجر خواهد شد. ادوارد از چهار باکتری نام می‌برد که از نظر ژنتیکی تغییر یافته‌اند تا در صنعت نفت کارایی داشته باشند و اکنون در آب‌های خلیج مکزیک رها شده‌اند و در اثر آنها تاول‌ها و بیماری‌های پوستی، بیماری‌های تنفسی مانند پنومونی، خونریزی‌های داخلی و ده‌ها نوع عوارض دیگر در مردم منطقه دیده می‌شود. (<http://www.thmedia.org>)

۷-۴-۱. دکتر سارا پاسکالی^۱ متخصص اطفال در مرکز بهداشتی دانشگاه دوک آمریکا طی مقاله‌ای به این موضوع پرداخته و ارائه گزارشی در مورد عملکرد غیر انسانی شرکت‌های آمریکایی در کشورهای فقیر اذعان می‌کند: گاهی در کشورهای فقیر داروهای آزمایشی تنها خدمات پزشکی موجود است که خانواده‌ها به آن دسترسی پیدا می‌کنند. کودکان، آسیب پذیرترین بخش این برنامه هستند. (<http://www.allgov.com>)

۸-۴-۱. دکتر مارسیا آنجل^۲ از استادان پزشکی اجتماعی در دانشکده پزشکی دانشگاه هاروارد معتقد است: هم اکنون ما افراد آسیب پذیر کشورهای ضعیف را به آزمایشگاه‌های داروسازی خود تبدیل کرده ایم. این کار به کلی در رابطه با پول و سرمایه است. (<http://newamericamedia.org>)

۹-۴-۱. گزارشگر الجزیره، زینا عواد معتقد است بر اساس آمار سازمان ملل ۴۰ درصد از مردم هند بی‌سواد هستند و شرکت‌های تست‌کننده داروها از بی‌سوادی این مردم سوء استفاده می‌کنند و حتی برخی از شرکت‌ها به توجه به اهداف خاص آزمایشی خود افراد را از میان بیماران بستری در بیمارستان‌ها انتخاب می‌کنند! خانواده‌هایی وجود دارند که در اثر آزمایش واکسن‌های ساخته شده برای بیماری‌های گوناگون کودکان خود را از دست داده‌اند. (<http://www.aljazeera.com>)

۱۰-۴-۱. نبیل غیور^۳ از دانشگاه مک‌مستر کانادا که اصالتاً پاکستانی است می‌گوید: شرایط در پاکستان نیز شبیه به هند است و مردم اعتماد کورکورانه‌ای به پزشکان خود دارند. مردم هیچ

^۱ Dr. Sara K. Pasquali

^۲ Dr. Marcia Angell

^۳ Nabeel Ghayur

اطلاع‌ای در مورد برنامه‌های ساخت داروهای جدید ندارند و چیزی در مورد آزمایش‌های پزشکی مربوط به آن نمی‌دانند. مردم به ندرت در مورد اثرات جانبی داروها می‌پرسند و قوانین نیز در این مورد ضعیف است و همه چیز به راحتی اتفاق می‌افتد و زنان و کودکان آسیب فراوانی می‌بینند. (<http://www.wired.com/medtech/drugs/news>)

در ایران و برای ایرانیان هم بارها این نوع ترور انجام شده و یا مورد تهدید واقع قرار گرفته‌اند. تاکنون افراد بسیاری مدعی شده‌اند که بر اثر ترور بیولوژیکی بیمار گشته‌اند. در داخل کشور ما هم کم نبوده اند افرادی که چنین ادعایی داشته‌اند. نادر طالب زاده (فیلم‌ساز و منتقد سیاست‌های امریکا)، فرج‌الله سلحشور (کارگردان سینما و تلویزیون) و بیژن نوباوه (خبرنگار ایران در امریکا) از جمله مهم‌ترین چهره‌هایی هستند که خود یا اطرافیان‌شان مدعی ترور بیولوژیک آنها شدند. نادر طالب‌زاده در مورد ادعایش مبنی بر ترور بیولوژیکی می‌گوید: "چند سال پیش به همراه گروهی از لبنان برای راه‌پیمایی اربعین به عراق رفتم که چمدان من را از هتلی که در نجف بودم از میان صدها چمدان برداشتند و ۵ الی ۶ روز بعد در کربلا نصفه شب تحویلم دادند. لب تاپ من را خالی و بررسی‌های کامل را انجام داده بودند. از همان روز که چمدان را تحویل گرفتم سالم بد شد اما متوجه این ماجرا نبودم." همچنین بیژن نوباوه در مورد بیماری خود و ارتباطش با بیوتروریسم گفته که یکی از ۲ نوع سمی که در بدن وی است، از نوع سم باغبانی است که توسط آمریکایی‌ها در جنگ جهانی دوم استفاده می‌شد. او در این رابطه می‌گوید: "بندۀ دو عمل جراحی مهم را در آمریکا انجام دادم. احتمال می‌دهم به دلیل سه ساعت بیهوشی سم را در این مقطع وارد بدن بنده کرده‌اند." (paydarymelli.ir > news)

۱-۵. بیوتروریسم و حقوق بشر

هیچ کشوری در جهان یافت نمی‌شود که حداقل در ادعا، بیوتروریسم را محکوم ننماید و به طور شعاری با این پدیده شوم مخالفت ننماید. به طور کلی آنچه که از رسانه‌های بین‌المللی در مورد بیوتروریسم تبلیغ می‌شود این است که بیوتروریسم عملی مجرمانه است که در آن از تسلیحات بیولوژیکی و شیمیایی علیه شهروندان و غیرنظامیان استفاده می‌شود. بر اساس ماده ۲۳ معاهده و چهارم ۱۹۰۷ لاهه و بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل ۱۹۷۷، به کارگیری این سلاح‌ها ممنوع شده است. (توکلی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳)

۱-۶. بزه دیده

بزه دیده به‌عنوان یکی از طرفین دخیل در پدیده جنایی در نتیجه تحمل بزه، دارای نیازها و حقوق متعددی می‌شود، ولی فرآیند اجرای عدالت کیفری به شیوه سنتی تا حدود زیادی نسبت به تأمین آنها بی توجه بوده و جایگاه و موقعیت بزه دیده در این نظام، نسبتاً به فراموشی سپرده شده است. این در حالی است که در دهه‌های اخیر تحت تأثیر قواعد و مقررات و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای از قبیل قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «اعلامیه اصول اساسی عدالت راجع به قربانیان بزهکاری و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» ۱۹۸۵ و «کنوانسیون خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم خشونت آمیز» ۱۹۸۳ مساعدت به آنان مورد توجه قرار گرفته و در سیاست‌گذاری‌های کشورهای مختلف ارائه خدمات به بزه دیدگان در قالب رفتار منصفانه با آنها مورد توجه واقع شده است. در واقع با توجه به نتایج بزه دیدگی می‌توان آثار جرم را در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته آثار مادی یا ملموس و آثار غیرمادی یا معنوی تقسیم کرد. آثار مادی و ملموس گاه ناظر به ضرر و زیان‌های مالی و گاه ناظر به ضرر و زیان‌های جسمانی است که فرد متحمل می‌شود. اما ممکن است آثار معنوی جرم فوق العاده وحشتناک تر از آثار مادی جرم باشند. (حیدری و صفری، ۱۳۸۸، ۷۳).

۲. حمایت از بزه دیدگان بیوتروریسم

۲-۱. مبنای حمایت از بزه دیدگان بیوتروریسم

در مورد مبانی مسئولیت دولت به عنوان متولی تأمین امنیت شهروندان جامعه در جبران خسارت نظرات بسیاری ارائه شده است. یکی از نظریاتی که در این زمینه ارائه شده این است که دولت وظیفه حفظ نظم و امنیت جامعه را عهده دار است. هرگاه جرمی اتفاق می‌افتد و نظم جامعه بر هم می‌ریزد، معلوم می‌شود که دولت وظیفه خود را به درستی انجام نداده است و در این مورد کوتاهی کرده است. پس بایستی خسارت‌های وارد بر بزه دیدگان را جبران نماید. (۵۴: Reisman, ۲۰۰۳)

دلیل اول، قرارداد اجتماعی که بر اساس آن دولت موظف به تأمین بسیاری از خدمات اجتماعی است و یکی از آنها امنیت عمومی و کنترل جرم است. شهروندان بودجه چنین اقدام‌هایی را از طریق پرداخت مالیات تأمین می‌کنند. زمانی که شهروندان بدون انجام خطا یا اشتباهی بزه دیده بیوتروریسم می‌شوند، این بدان معناست که دولت نتوانسته خدمات امنیتی مورد تعهد خود را به بزه‌دیدگان ارائه دهد؛ بنابراین مسئولیت اخلاقی دولت اقتضا دارد تا وضعیت و موقعیت بزه‌دیدگان بیوتروریسم را به حالت قبل از بزه دیدگی برگرداند. دلیل دوم، ناظر به وظیفه دولت در برقراری رفاه اجتماعی است. دولت موظف است حداقل‌های زندگی را برای افراد ناتوان و دیگر

اعضای آسیب‌دیده از جرم فراهم سازد. وقتی افراد بزه دیده بیوتروریسم شوند، رنج بی دلیل و دیگر محرومیت‌ها را تحمل می‌کنند. در نتیجه، دولت باید در چنین شرایطی مداخله کرده و این شهروندان رنج کشیده را یاری کند. دلیل سوم به همبستگی اجتماعی باز می‌گردد. بر این اساس، دولت به نمایندگی از آحاد جامعه و برای آنکه همبستگی همه افراد جامع را با بزه دیده‌ای که نتوانسته از بزه‌کار، خسارت خود را دریافت کند، نشان دهد از محل بودجه عمومی پرداخت می‌کند (دلماز مارتی، ۱۳۸۱: ۴۱). در ایران نیز بر اساس قاعده فقهی «لا یبطل دم امری» مسلم» در جبران خسارت بزه دیدگان بیوتروریسم، حاکم شرع باید برای هدر رفتن خون مسلمان، دیه را از بیت المال بدهد. اما تحمیل هزینه‌های سرسام آور به بودجه دولتی و بروز اشکالات و نقایص دیگر، مانع از آن است تا بتوان این گونه طرح‌ها را در بلند مدت راهگشا دانست.

۲-۲. پیش شرط‌های حمایت غیر کیفری از بزه‌دیدگان بیوتروریسم در ایران و اسناد بین‌المللی
باتوجه به این که راهکاری‌های کیفری و سخت هرگز در کاهش حملات تروریستی به خصوص تروریسم زیست‌محیطی موثر نبوده و انگیزه مرتکبان این جرایم را که اغلب دارای ایدئولوژی اعم از مذهبی و اقتصادی را تغییر نداده چراکه اساساً این گونه مرتکبان را تنها از طریق مبارزه فرهنگی می‌توان مغلوب نمود لذا ما در ادامه ضمن تاکید بر حمایت‌های غیر کیفری به پیش شرط‌های لازم برای کارآمدی اقدامات غیر کیفری حمایتی خواهیم پرداخت. در واقع این رویکرد غیر کیفری در ارتباط با بزه دیده‌شناسی حمایتی، که در واقع می‌توان از آن به جنبش حقوقی- اجتماعی حمایت از بزه دیدگان بیوتروریسم نام برد، در ایران و اسناد بین‌المللی بررسی خواهد شد.

۳-۲. پیش شرط تقنینی حمایت از بزه دیده بیوتروریسم

در مقررات بین‌المللی، حقوق بزه دیده بیشتر از نوع کلاسیک و سنتی است و همین مقررات اصل راهبردی توانمندسازی بزه دیده را که غایت آن، برگشت به موضع نخستین و حالت اولیه است، تامین نمی‌کند. مغفول ماندن حقوق بزه دیده و عدم نیاز شناسی بزه‌دیده، خاصه نسبت به بزه دیدگان بیوتروریسم، که در اثر تحمل جرم، تمامیت زندگی مفید وی تهدید شده و امنیت از او ربوده شده است در حقوق برخی کشورها نیز مساله‌ساز شده است. (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴، ۵۳) این موضوع در «کنگره بین‌المللی استکهلم»^۱ صراحتاً و به دفعات اشاره شده است که دانش حقوق کیفری به اندازه کافی به جبران خسارت بزه دیدگان توجه نمی‌کند. چرا که در اسناد

^۱ Stockholm International Congress.

بین‌المللی اولاً به حقوق متهم یا بزهکار بیشتر از بزه دیده توجه شده است، ثانیاً حمایت از بزه دیده اکثراً حمایت از نوع کیفری است. (دلمااس مارتی، ۱۳۸۱، ۲۷۲)

البته این امر به مرور در حال اصلاح است؛ به عنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی»^۱ تاسیس شد و در قواعد ۷۹ لغایت ۹۶ مقررات «دیوان کیفری بین‌المللی» به انواع حمایت‌های قابل تصور از بزه‌دیده اشاره و تاکید شد و حتی در کشور آمریکا قانونی با همین هدف با عنوان «قانون حمایت از بزه‌دیدگان آمریکا»^۲ در سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید و در شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل و در جولای ۲۰۰۲ قطعنامه راجع به «اصول اساسی عدالت در رابطه با اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری»^۳ مورد تصویب قرار گرفت ولی متأسفانه خلاء تقنینی در امکان حمایت متناسب از بزه‌دیدگان بیوتروریسم در سطح ملی و بین‌المللی مشهود است. هر چند که جرقه‌های امید در تعدیل و رفع این خلاء قانونی و تسهیل تثبیت یک سیاست جنایی افتراقی در حال شکل‌گیری است. (لپز و فیلیزوال، ۱۳۸۹: ۷۳) با وجود این، پیش شرط قانونی رفع تبعیض در مقررات کیفری و استقرار سیاست جنایی افتراقی در جهت همسو شدن با جنبش حقوقی-اجتماعی حمایت‌گرا از بزه‌دیدگان بیوتروریسم است و همان‌طور که از بزه‌دیدگان دیگر در قالب جعل قوانین حمایت‌گرا و تاسیس نهاد و سازمان‌های همسو با این سیاست، حمایت درخور می‌شود بایستی که بزه‌دیدگان بیوتروریسم نیز مشمول چنین اندیشه حمایتی مضاعف و همه‌جانبه قرار بگیرند.

۲-۴. پیش شرط قضایی حمایت از بزه دیده بیوتروریسم

هر چند نظام‌های قضایی دادرسی را مجری قانون تفسیر می‌کند لکن روند تعقیب، تحقیق و به طور کلی فرآیندهای دادرسی و اجرای حکم نقش ممتازی را به ساختار دادگستری، محاکم و به کارمندان قضایی و اداری آن و وکلا و کارشناسان و مددکاران اعطا نموده است. پیش شرط حمایت قضایی از بزه‌دیدگان بیوتروریسم را زیر دو مبحث تبیین می‌کند.

۳. حق بزه دیده بیوتروریسم

۳-۱. حق بزه دیده بیوتروریسم بر شناسایی بزه دیدگی

^۱ Global Society of Victimology.

^۲ US Victims Protection Act.

^۳ Basic principles of justice in relation to the implementation of restorative justice programs in criminal matters.

شناسایی بزه دیده بیوتوروریسم توسط جامعه بین‌المللی دو رویکرد تقنینی و اجتماعی دارد. رویکرد اجتماعی را در بند بعدی و ذیل پیش شرط اجتماعی بیان خواهیم کرد ولی رویکرد تقنینی آن به عدم جرم انگاری بعضی ناهنجاری‌ها علیه بزه دیدگان بیوتوروریسم اشاره دارد که باید شناسایی شود و در مرحله قضایی شامل دسترسی آسان بزه دیده بیوتوروریسم به قانون و عدالت، رعایت موازنه حقوق بزه دیده در فرآیند دادرسی، اطلاع و آگاهی بزه دیده، از حقوق بزه دیدگی و غیره است. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

۳-۲. حق بزه دیده بیوتوروریسم بر همراهی

عدم تخصص‌گرایی در ساختار دادگستری و میان‌قضات، اطاله دادرسی، وجود مراجع قضایی اختصاصی که اتفاقاً در برخی از آنها امکان مطالعه پرونده، دسترسی به اطلاعات آن و غیره غیرممکن است و به خصوص تراکم پرونده‌ها و شلوغی شعبات مراجع قضایی بین‌المللی فرصت تنفس به دادرس را هم، می‌رباید.

حق همراهی شامل عدم تکرار بزه دیدگی نیز می‌شود؛ به این صورت که به خصوص در جرایم بیوتوروریستی، جهت عدم شناسایی بزه دیده توسط بزهدار، وی و مطلعان یا شهود به صورت پنهانی شهادت و اظهار شکوائیه می‌کنند تا از بزه دیده شدن مجدد در امان باشند. «کنوانسیون پالمو»^۱ که در کشور ایتالیا به تصویب رسید این حق را مورد تاکید قرار داده است.

۳-۳. پیش شرط اجتماعی - فرهنگی حمایت از بزه دیده بیوتوروریسم

باقت سنتی نظام اجتماعی - خانوادگی در ایران و کشورهای دیگر به عنوان یک نهاد بنیادین، همگی مجموعه عواملی هستند که در طول تاریخ بزه دیده را مظلوم مفروض داشته و آداب و رسوم و سنن اجتماعی نیز بر همین پایه‌ها شکل گرفته‌اند. نابرابری مخصوصاً در اقشاری مانند

^۱ کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی» (United Nations Convention against Transnational Organized Crime) از معاهده‌های چند جانبه مورد حمایت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ علیه جرایم سازمان یافته فراملی است. این کنوانسیون در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ با قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. به آن کنوانسیون پالمو نیز گفته می‌شود و سه پروتکل تکمیلی آن عبارتند از: ۱- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص مخصوصاً زنان و کودکان ۲- پروتکل علیه قاچاق مهاجرین از طریق زمین، دریا و هوا ۳- پروتکل علیه تولید غیرقانونی و قاچاق مهمات. کنوانسیون در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ به اجرا درآمد. تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷، ۱۸۹ کشور آن را امضا کرده اند که شامل ۱۸۴ عضو سازمان ملل متحد، می‌شود. نه کشور عضو سازمان ملل که عضو این کنوانسیون نیستند عبارتند از: پادشاهی بوتان، جمهوری کنگو، ایران، پالاتو، پاپوآ گینه نو، جزایر سلیمان، سومالی، سودان جنوبی، تووالو. ایران این کنوانسیون را امضا کرده ولی به تصویب مجلس نرسانده است که عملاً می‌توان گفت عضو این کنوانسیون نیست. ایران در قانونی تحت عنوان «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» در تاریخ ۲۰۱۳/۰۳/۲۱ به این کنوانسیون پیوسته است.

کودکان و بانوان و تیپولوژی جنسی آنان و تعریف آنان با جنسیت، در وهله نخست باعث شده است که در عرصه‌های مختلف اجتماعی تعریف جنس و سن سایه‌ای بر حقوق آنها شود. همین عقاید و ارزش‌های نهادینه شده باعث شده که ناخودآگاه بنا به دلایل زیستی (فیزیولوژیکی)، اجتماعی و فرهنگی، استعداد دایمی در ایفای نقش بزه دیده داشته باشند. (کی نیا، ۱۳۷۰، ۱۳)

بر اساس تحقیقاتی که در آمریکا در ۱۹۶۷ صورت گرفته است بیش از یک دوم بزه دیدگان هرگز درصدد اعلام جرم و بزه دیدگی خود به مقامات و مراجع رسمی نبوده‌اند در پرسش از علت این واقعه جواب‌های متعددی ارائه شده است که بعد از اعتقاد به ناتوانی پلیس در تعقیب بزه کاران، اعتقاد به خصوصی بودن برخی قضایا و نیز شرم از بروز خشونت‌های داخلی، بالاترین رقم سیاه را در بین این پاسخ‌ها داشته است. (توجهی، ۱۳۷۸، ۷۵) در این رابطه وجود نهادهای مردم مدار، سازمان‌های دولتی ذی ربط مثل صدا و سیما، رسانه‌های گروهی و غیره می‌تواند در تدوین صحیح راه کارهای اجتماعی از قبیل آموزش و تربیت، تغییر بنیادین در ساختار اقتصادی- اجتماعی و راهکارهای حقوقی مثل زدودن انگ اجتماعی در تمسک بزه دیده به ابزارهای حقوقی چون سیستم حقوقی جدی و پاسخگو بسان جمعیت و ارگان‌های حمایتی مردم نهاد که اجازه اقامه دعوا و طرح شکایت بدان‌ها نیز داده شود، مفید فایده خواهد بود. در عین حال می‌توان با گسترش امکانات اجتماعی (اقدامات ایجابی) در عین برطرف کردن یا حذف فرهنگ نابهنجار (اقدامات سلبی) به دنبال استقرار رفاه اجتماعی برای بزه دیدگان شد و مطابق با پیش بینی نوع جرم، عمل ارتکاب جرم (محیط خانواده یا جامعه) و عوامل دیگر، حتی، از راهکارهای بهداشتی- رفاهی نیز، در کنار سایر راهکارهای برشمرده، استفاده کرد. از جمله راهکارهای بهداشتی- رفاهی را می‌توان واکنش بهداشتی- درمانی در سوء رفتارها و یا ایجاد پناهگاه‌ها برای زنان و کودکان بزه دیده و غیره برشمرد. (معظمی، ۱۳۸۶، ۲۲۷).

۴. حمایت از بزه دیدگان بیوتوروریسم (ابزارهای غیر کیفری)

بخشی از حمایت از بزه دیدگان به صورت حمایت مادی جلوه‌گر می‌شود و بخش دیگری به صورت حمایت‌های غیرمادی (معنوی) و ذیل هر یک مصادیق آن را در ایران و کشورهای دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. حمایت‌های غیر مادی

رایج‌ترین راه‌های جبران خسارت، عبارت است از جبران از طریق کمک‌های دولت‌ها، شرکت‌های بیمه خصوصی و جبران از طریق مشارکت بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و

مؤسسات خیریه (صفاری، ۱۳۸۷: ۲۸۹). ماده ۱۲ «اعلامیه اصول بنیادین عدالت» ۱۹۸۵ و برخی از قوانین خاص راجع به بیوتروریسم در حقوق داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی، جبران خسارت توسط دولت‌ها را بیان نموده‌اند. میزان مشارکت سازمان‌های غیردولتی در زمینه تأمین نیازهای بزه‌دیدگان در کشورهای مختلف با یکدیگر فرق دارد و علی‌رغم اینکه ماده ۱۳ اعلامیه اصول بنیادین عدالت به مشارکت بخش خصوصی در زمینه پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان توجه دارد این امر تابع تفاوت‌هایی در نگرش به مشارکت بخش خصوصی در امور مربوط به جامعه است.

امروزه «کلینیک بزه‌دیده»^۱ تعریف و ایجاد می‌شود. قربانیان این جرایم در گذشته، سازمان‌ها و جمعیت‌هایی را ایجاد می‌کنند تا به صورت داوطلبانه قربانیان جرایم خاصی را ترمیم کنند و با دادن مشاوره، آلام آنها را به‌ویژه دردهای عاطفی و مشکلات روانی شان را التیام بخشند تا بزه دیده، جرم و آثار آن را کم‌کم فراموش کند و خشونت مستقر در ذهن وی با تدابیر درمانی از بین برود. در این مراکز به جبران مادی پرداخته نمی‌شود، چون جبران مادی خسارت‌های یک امر قضایی است و دستگاه قضایی انجام می‌دهد. در این کلینیک‌ها به رفع خسارت‌هایی توجه می‌شود که نامرئی است اما وجود دارد و بزه دیده را جریحه دار کرده و وی را از نظر روانی و عاطفی غیر اجتماعی و حتی ضد اجتماعی کرده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۶۳)

در جهت حمایت از همه بزه‌دیدگان قوانینی و یا انجمن‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی در این زمینه فعالیت می‌کنند و برای بزه‌دیدگان جرایم مهم نیز، نهاد حمایتی خاص دارند، مثل: «انجمن حمایت از بزه‌دیدگان شکنجه»^۲، «انجمن حمایت از بزه‌دیدگان تجاوز جنسی»^۳ و غیره. در کلینیک‌های بزه‌دیدگان، به صورت کاملاً دقیق خسارت‌ها و صدمه‌های ناشی از جرم ارزیابی می‌گردد و نتایج این ارزیابی‌ها در صدور حکم در دادگاه و جبران خسارت‌های مادی مؤثر خواهد بود. امروزه در کنار تضمین‌های حقوقی پیش‌بینی شده برای بزه‌دیده، یک حق دیگر نیز برای او قائل می‌شوند با عنوان «ترمیم آلام ناشی از رجوع به دادگستری». در این مراکز بعد از برآورد خسارت‌های جسمانی، روانی و عاطفی با ارائه نظرات مشورتی به دادگاه سعی می‌شود در صدور و ماهیت حکم مورد توجه قرار گیرد. جبران خسارت مادی توسط کمیسیون‌های خسارت‌زدایی بزه‌دیدگان و صندوق تضمین خسارت‌های قربانیان اعمال بیوتروریستی و سایر جرایم خشونت آمیز صورت می‌گیرد که در چارچوب نظام قضایی عمل نموده و مکمل کار دادگاه‌ها، دادسراها و

^۱ victim's clinic.

^۲ Association for the Support of Torture Victims.

^۳ Association for the Protection of Rape Victims.

پلیس هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۶۵۲) البته بعید است بتوان آسیب‌های روحی و روانی بزه دیدگان بیوتروریسم را با حمایت مالی جبران نمود؛ ولی با وجود آن، حمایت مالی می‌تواند در تسکین آلام او بسیار ثمربخش باشد و چون برای ترمیم کفایت نمی‌کند، حمایت مالی و پرداخت پول را «جبران نمادین درد و رنج عاطفی و حیثیتی بزه دیده»^۱ می‌نامند.

در حقوق ایران نیز جبران خسارات فوق از طریق جبران خسارت معنوی قابل پیگیری است. این موضوع برخلاف قانون قبلی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت پذیرفته شده است. با استناد به ماده ۱۴ این قانون شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. در تبصره ۱ این ماده زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی به فرد تعریف شده است. در تبیین دقیق‌تر در مواردی که جبران خسارت از طریق بزهکار به هر دلیلی امکان پذیر نباشد، این امر از طریق منابع دولتی، مؤسسات خیریه و یا بیمه صورت می‌پذیرد.

۲-۴. حمایت‌های مادی

از توجهات سیستم امروز عدالت کیفری در غالب کشورها، نگاه گسترده به حقوق بزه دیدگان است؛ زیرا در این نگاه، جبران خسارت بزه دیده به اعمال مجازات و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم خلاصه نمی‌شود، بلکه فراتر از این، به ابعاد روان شناختی، روان پزشکی و لزوم جبران بار تحمل آسیب‌های متعدد جرم و جبران آن گسترش یافته است. در این راستا کمک به بزه‌دیده بیوتروریسم در مخارج ضروری از مهم‌ترین جلوه‌های پذیرش بار مسئولیت وی است. بیشتر بزه دیدگان بیوتروریسم نیازمند کمک‌های مالی و مادی ضروری‌اند تا جایی که غالب ایشان در گروه‌های اجتماعی و اقتصادی کم بهره قرار می‌گیرند. وقوع جرم بیوتروریستی، اختلالاتی در زندگی معمول آنها ایجاد می‌کند. هزینه‌های رفت و آمدهای مداوم به مراکز پزشکی و دادرسی، به کارگیری تدابیر امنیتی، مشارکت در فرآیند عدالت کیفری مانند حضور در جلسه محاکمه، هزینه تدفین، پزشکی و تجهیزات آن، آموزش‌های مجدد، نقص در کارکردها و از دست دادن اتکای به خود با نیاز به شخص ثالث، تطبیق دادن مکان زندگی با شرایط جدید، گرفتن مشاوره تخصصی برای کنار آمدن با تاثیرهای عاطفی جرم یا هزینه درمان آسیب‌های بدنی از جمله این مواردند. (خلیلی سامانی، ۱۳۹۱: ۴۷)^۲

^۱ Symbolic compensation for the suffering and emotional suffering of the victim.

^۲ در این رابطه قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۰۵/۲۶ در راستای جبران خسارت مقرر می‌دارد: «ماده ۶ در صورتی که هریک از دستگاه‌های اجرایی ذی صلاح درخصوص اقدامات اشخاص حقیقی و یا حقوقی فعال در زمینه فناوری

علاوه بر خسارت‌های مادی مستقیم، خسارت‌های غیرمستقیم نیز به بزه‌دیده بیوتروریسم تحمیل می‌شود. گرفتن مرخصی کاری یا متوقف شدن دیگر فعالیت‌های درآمدزا، کاهش درآمد در نتیجه تنزل مقام، از دست دادن حقوق، اخراج احتمالی، ناتوانی در انجام کار شخصی، ناتوانی دائمی، از دست دادن جایگاه اجتماعی، خسارت‌های وارده به جوانی و... از جمله مصادیق این دسته از خسارت هاست. جبران هزینه‌های مادی که مستقیم و غیرمستقیم به بزه‌دیده بیوتروریسم وارد شده است، در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف به رسمیت شناخته شده و تنها در منبع تامین کننده آن و نحوه جبران هزینه‌ها اختلافاتی دیده می‌شود.

باید ویژگی‌های حق جبران ضرر و زیان توضیح داده شود. برای نمونه عملکرد متشتت شرکت‌های بیمه در هنگام وجود قرارداد، معمولاً برای بزه دیدگان بیوتروریسم و اختلافات کارشناسان بیمه در برآورد، خسارت‌آور است. نکته دیگر آنکه، شرکت‌های بیمه باید خسارت‌های بزه دیده بیوتروریسم را به نحو شایسته تحت پوشش قرار دهند، فارغ از اینکه منشا اصلی بزه دیدگی اش چیست و فارغ از اینکه مجرم، مقصر شناخته شود یا نه و فعل خسارت آور عامدانه باشد یا خیر. (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

پس از تثبیت وضعیت بزه دیده بیوتروریسم، ارزیابی میزان ناتوانی‌های وی امری ضروری است، چرا که این ارزیابی میزان احتیاج او را به کمک‌های مادی در شرایطی که این عوارض دائمی بوده و از جرم ناشی شده باشد، مشخص می‌سازد. چندگانگی مقیاس‌های عمل کننده مانند مؤسسات بیمه، پزشک بیمارستان، پزشک دادگاه، کارشناسان قضایی و غیره برای بزه دیدگان بیوتروریسم غیرقابل فهم است. بنابراین حضور یک «کارشناس عمومی» یا «پزشک بزه دیده بیوتروریسم» در کنار دیگر کارشناسان توصیه می‌شود.

در ادامه توضیح ویژگی‌های جبران مناسب خسارت، به‌ویژه در مورد بزه دیدگان بیوتروریسم در برابر مرتکب ناشناس، غیرمسئول یا معسر، لازم است جبران خسارت به یکباره بر دوش یک سازمان پرداخت کننده و منبع مستقل دیگری قرار گیرد. جبران خسارت از بیت‌المال در کشورمان یا به عبارتی مستقیماً توسط دولت، بسیاری از کاستی‌ها و نقایص پرداخت توسط بزهکار

زیستی جدید تخطی از مفاد این قانون مشاهده نمایند، مکلفند ضمن تعلیق موقت مجوز شخص خاطی، مراتب را برای رسیدگی قضایی به مرجع ذی صلاح قضایی ارجاع نمایند. مرجع قضایی موظف است این پرونده را در فرصت ویژه و یا فوق العاده رسیدگی نماید. در صورت تأیید تخلفات توسط مرجع قضایی، اگر تخلف، موجبات تضییع حقوق سایر اشخاص را فراهم نموده و یا خساراتی را به سایر اشخاص و یا زیست بوم وارد نموده باشد، شخص متخلف به جبران خسارات وارده محکوم شده و در صورت تکرار برای بار دوم، علاوه بر جبران خسارت به پرداخت دو برابر خسارات وارده به صورت جزای نقدی محکوم و کلیه مجوزهای صادره قبلی باطل و از فعالیت‌های اجرایی وی ممانعت به عمل خواهد آمد.

بیوتروریستی را می‌پوشاند و در عوض خسارت‌های اخذ شده از بزه‌کار به حساب دولت ریخته می‌شود. شاید بهتر باشد از عنوان جبران دولتی خسارت بزه دیده بیوتروریسم استفاده کرد. چه، به این نحو می‌توان میان این نوع از جبران خسارت با جبران خسارت بزه دیده بیوتروریسم توسط بزه‌کار تفاوت قائل شد.

این روش به شکل رسمی نخستین بار در نیمه ۱۹۶۰ توسط نیوزیلند انجام شد. سپس در دیگر کشورها همچون انگلیس، آلمان، فرانسه و استرالیا تجربه شد. در این زمینه حداقل می‌توان به کنوانسیون اروپایی «پرداخت خسارت به بزه دیدگان جرم‌های خشونت بار» مصوب ۱۹۸۳ در سطح منطقه‌ای (پرادل، ۱۳۸۳: ۳۵۰) و «کمیسون جبران خسارت بزه دیدگان جرایم» در فرانسه نتیجه از قانون مصوب ۱۹۷۷ و «صندوق تضمین خسارت قربانیان اعمال تروریستی و سایر جرایم» در فرانسه اشاره کرد (لپز، ۱۳۸۹: ۱۱۹). البته گفتنی است هیچکدام این‌ها اشاره به جرم واقع شده توسط کشور یا کشورهای فرامرزی اشاره ندارد و بزه در درون یک کشور را شامل می‌شود. در ایران نیز بر اساس قاعده فقهی «لایبطل دم امری مسلم» در جبران خسارت بزه‌دیدگان بیوتروریسم، حاکم شرع باید برای هدر نرفتن خون مسلمان، دیه را از بیت‌المال بدهد. اما تحمیل هزینه‌های سرسام آور به بودجه دولتی و بروز اشکالات و نقایص دیگر، مانع از آن است تا بتوان این گونه طرح‌ها را در بلند مدت راهگشا دانست. به غیر از مسئولیت مرتکب، مسئولیت بیمه در پرداخت غرامت و پرداخت از طریق بیت‌المال، منبع دیگری که می‌توان به جبران خسارت بزه‌دیدگان بیوتروریسم اختصاص داد، استفاده از کاربری نهادهای عمومی است. عمده تفاوت دولت و نهادهای عمومی، در شیوه پرداخت خسارت است. اگر پرداخت خسارت به طور مستقیم از خزانه عمومی صورت گیرد. گفته می‌شود که جبران توسط دولت صورت گرفته است؛ اما در شیوه دوم، جبران خسارت به طور غیرمستقیم و توسط نهادهای عمومی صورت می‌گیرد. در هر دو شیوه، جبران کننده در نهایت دولت می‌باشد، اما گاه جبران مستقیم و گاه غیرمستقیم است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

به واقع، با توجه به گستره جرایم و بزه‌دیدگان بیوتروریسم و نوع خسارت‌های وارد شده، جبران خسارت به‌طور مستقیم هزینه سرسام آوری را بر بیت‌المال تحمیل می‌کند؛ به همین دلیل بسیاری از کشورها از پذیرفتن آن ابا دارند. (یوسفی مراغه، ۱۳۹۱، ۵۵)

پرداخت خسارت بزه دیده از طریق نهادهای عمومی چنین مشکلی را ندارد. این بدان جهت است که نهادهای عمومی می‌توانند از طریق به کار انداختن سرمایه‌ای که دولت در اختیار آنها قرار داده و بودجه‌ای که هر سال در اختیارشان قرار می‌گیرد، ضمن ایجاد اشتغال، درآمد خود را

بالا ببرند و در نهایت به جایی برسند که وابستگی آنها به بودجه عمومی کمتر شود. این مطلب با در نظر گرفتن فعالیت نهادهایی همچون بیمه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی ملموس‌تر است. این نهادها به منظور انجام وظایفشان از طریق خریداری سهام کارخانه‌ها و ایجاد شرکت‌های تولیدی به درآمدزایی و خودکفایی پرداخته‌اند و در نتیجه بهتر می‌توانند به تامین رفاه اشخاص مورد نظر بپردازند و یا از طریق وام دادن به بزه دیده بیوتروریسم و یا با ایجاد اشتغال برای ایشان به ترمیم خسارت بزه دیده بپردازند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۴) و در آخر باید به تامین خسارت از طریق منابع خیریه اشاره کرد. یقیناً یکی از مصادیق امور خیریه، تامین خسارت‌های جبران نشده بزه‌دیدگان از جمله بزه دیده بیوتروریسم است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۸، ۲۱۵)

در خصوص جبران زیان‌های مادی و معنوی، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مقرر می‌دارد «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند». لذا در امور کیفری ضرر و زیان مادی خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی بزه دیده وارد می‌گردد و به صورت کاهش دارایی مثبت (از بین رفتن اعیان و اموال یا کاهش ارزش آنها) یا افزایش دارایی منفی (اشتغال ذمه مالی) متجلی می‌گردد. محروم شدن شخص از منفعتی که عادتاً انتظار حصول آن را دارد، می‌تواند از باب منافع فوت شده استرداد گردد. بزه دیده عمدتاً به دلیل زیان‌های اقتصادی وارده، می‌تواند خواستار جبران زیان‌های مادی و منافع فوت شده گردد. اما در خصوص خسارت جسمانی، علاوه بر اصل ۲۲ قانون اساسی که احترام به تمامیت جسمانی افراد را تضمین کرده، مواد ۴ و ۵ قانون مسئولیت مدنی نیز بر جبران خسارت جسمی صحه گذاشته است که می‌توان در زمینه احقاق حق این قشر آسیب پذیر جامعه به یاری آنان شتافت و با مشاوره و کمک‌هایی در این زمینه آنان را یاری نمود. (حسامی، ۱۳۸۴: ۹۸)

۵. مصادیق حمایت غیر مادی از بزه دیدگان

۵-۱. حمایت عاطفی از بزه دیده بیوتروریسم

هر جرمی گذشته از خسارت‌های مادی، آزرده‌گی خاطر بزه دیده را نیز به همراه دارد. این آزرده‌گی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات فرد یا حیثیت شخص برمی‌خیزد و در جرم‌های مختلف بازتاب‌های گوناگون دارد، «درد و رنج عاطفی و حیثیتی» نامیده می‌شود. درد و رنج عاطفی یعنی تاثیر پذیری یا واکنش روانی بزه دیده که در برخورد با امری بیرونی به نام «جرم» در او پدید می‌آید و ممکن است به شکل ترس، خشم، کینه و مانند آن جلوه گر شود. واکنش‌های نامبرده شوند که پس از رویداد جنایی بی‌درنگ نمایان شده، به روشنی اثبات پذیرند. در این

میان، حمایت عاطفی از بزه‌دیده بیوتورریسم شامل کمک‌های روان‌شناسانه‌ای است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان انجام می‌شود و پیش از هر چیز نقش روان‌شناسان و روان‌کاوان در آن برجسته است. همانطور که گفته اند «حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان را می‌توان از رهگذر مراکز خصوصی روان‌درمانی بهره‌مند از روان‌شناسان متخصص تضمین کرد.» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۵: ۱۳۵) ولی اهمیت نقش روان‌شناسان در حمایت عاطفی به معنای انحصار آن در دست روان‌شناسان متخصص نیست. حمایت عاطفی را ممکن است کسانی انجام دهند که خود بیشتر بزه‌دیده بوده‌اند. کسانی که درد و رنج بزه‌دیدگی را چشیده‌اند، بهتر می‌توانند به این گونه افراد کمک کنند. انجمن‌های کمک به بزه‌دیدگان می‌توانند با بهره‌گیری از روان‌شناسان متخصص به حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان جامه عمل ببوشانند و در کنار نقش انجمن‌های مردمی در حمایت عاطفی، همکاری روان‌شناسان با مراکز پزشکی قانونی، جلوه دیگری از یک سیاست جنایی مشارکتی در این زمینه می‌توان ارزیابی کرد. (هاشمی، ۱۳۹۸، ۱۳۵)

در سطح سیاست جنایی تقنینی، نمونه‌های انگشت شماری مانند اعاده حیثیت مندرج در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۷۵ را می‌توان جلوه ساده‌ای از حمایت عاطفی و حیثیتی دانست که در همسویی سیاست جنایی قضایی با آن تردید به چشم می‌خورد. مقنن در ماده ۶۹۸ قانون یادشده مقرر داشته «هرکس به قصد اضرار به غیر یا... به وسیله نامه یا... اکاذیبی را اظهار نماید... اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد گردد یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شالغ تا ۷۴ ضربه محکوم گردد».

۵-۲. به رسمیت شناختن بزه‌دیده بیوتورریسم

بزه‌دیده باید بتواند در کوتاه‌ترین زمان و کمترین فاصله زمانی، شکایت خود را مطرح و آن را پیگیری نماید و از امنیت لازم در این راستا نیز برخوردار باشد و این امر مقتضی آن است که دسترسی به نهادهای دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس، دادسرا، دادگاه‌ها باید سریع و آسان باشد. در صورتی که بزه‌دیده، نتواند دادخواهی کند یا در فرآیند عدالت کیفری به حاشیه رانده شود در واقع مورد ناملایمات جدید و حتی بزه‌دیدگی دوباره قرار خواهد گرفت. بزهکارانی که نهادهای عدالت کیفری را ناتوان از احقاق حقوق بزه‌دیدگان می‌دانند، برای تکرار جرم تردیدی نخواهند داشت. ضعف و سستی در دادخواهی، اثر مستقیم در افزایش بزهکاری خواهد داشت. از طرف دیگر، موجب گسترش انتقام خصوصی، توسط بزه‌دیدگان خواهد شد. تبدیل بزه‌دیدگان به بزهکاران بعدی نیز از نتایج و آثار نارسایی در دادخواهی است. (پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۴۲)

بزه دیدگانی که از طریق دادخواهی به حق خود نمی‌رسند چاره‌ای جز توسل به شیوه‌های غیرقانونی ندارند. بنابراین ناگزیر به دنبال گرفتن سفارش، تبانی، پرداخت رشوه نظایر این امور می‌روند. بنابراین دادخواهی کرامت مدار، دارای آثار مهمی در راستای تحقق عدالت خواهد داشت. این آثار عبارتند از: پیشگیری از تکرار بزه دیدگی و بزهکاری، عدم گسترش انتقام خصوصی، پیشگیری از تبدیل بزه‌دیدگان به بزهکاران آینده، پیشگیری از گسترش فساد اداری، کاهش حجم پرونده‌های قضایی و در نهایت ارتقای اخلاقی جامعه. استقرار پلیس در اماکن عمومی، اختصاص تلفن‌های شبانه روزی جهت پاسخگویی به بزه دیدگان، گسترش کلانتریها در مکان‌های پرجمعیت، پاسگاه‌های سیار و نظایر آن، دسترسی به اولین ملجا و پناهگاه را برای بزه دیدگان آسان و ممکن می‌سازد. از آنجا که پلیس، اولین گروه از مقامات عدالت کیفری است که بزه دیده با آنان مواجه می‌شود، راهنمایی‌های لازم در خصوص نحوه جمع آوری دلایل، مانند مراجعه به پزشکی قانونی در مورد آسیب‌های جسمانی، تنظیم شکایت کیفری و اخذ دستور از مقام قضایی، حفظ و جمع‌آوری دلایل ارتکاب جرم، معرفی شهود و نظایر این‌ها، اهم مواردی است که پلیس بلافاصله پس از مواجه با بزه دیده باید برای وی توضیح دهد. فلذا عدم پذیرش شکایت اولیه از ناحیه پلیس و مراجع انتظامی جرم و قابل پیگرد می‌باشد. به همین جهت ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند...» بنابراین یکی دیگر از نتایج بدیهی و بسیار مهم اصل رجوع به دادگاه‌ها و مراجع عمومی محاکم در رسیدگی به تظلمات، قاعده ی عدم جواز یا استنکاف قاضی از رسیدگی به دادخواهی می‌باشد. (زکی، ۱۳۹۲: ۸۳) بر همین اساس و در حقوق داخلی هم، اصل ۳۴ قانون اساسی رسیدگی به دعوا را از وظیفه دستگاه قضایی برشمرده است. برای تکمیل این حق اصل ۱۶۷ قانون اساسی هم به عدم جواز یا امتناع از رسیدگی به دعوا و صدور حکم تصریح نموده است. (حیران، ۱۳۹۸: ۲۱)

در قواعد و مقررات بین‌المللی نیز در موارد مختلفی می‌توان این الزام را استخراج نمود. چنانچه ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره دارد که «هرکس با مساوات کامل حق دارد دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بیطرف و منصفانه و عملاً رسیدگی کند و چنین دادگاهی درباره ی حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که متوجه او می‌گردد، اتخاذ تصمیم نماید» و این یعنی همان به رسمیت شناختن بزه دیده. همچنین ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق دادخواهی تصریح دارد. بنابراین تمامی اسناد مذکور، برای افراد حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف را به رسمیت شناخته‌اند. این مفهوم از حق به آن معناست که در

مقابل هر حقی یک وظیفه قرار دارد و فرد محق می‌تواند انجام این وظیفه را از مکلف بخواهد بنابراین حق در این معنا همواره پیوند ناگسستنی با یک وظیفه دارد. بنابراین هنگامی که اسناد مرتبط با حقوق بشر عنوان می‌دارند هر فرد حق دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف را دارد به معنای آن است که دولت وظیفه دارد دادگاه مستقل و بی‌طرف را تشکیل دهد و به دعوای اشخاص رسیدگی نماید. به عبارت دیگر ادبیات حاکم بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دولت‌ها، ادبیاتی تعهدمدار و نسبت به افراد ادبیاتی حق محور است. (شیریان، ۱۳۸۳: ۳۵)

تحت تاثیر آموزه‌های بزه دیده شناسی به موازات تاکید بر بزه‌دیده به عنوان عامل خاص جرم یا عامل جایگزین جرم، عده‌ای تحت عنوان مبارزه برای احیای حقوق قربانیان مستقیم جرم و از تشکیل گروه‌های مختلف، قوانین آیین دادرسی کیفری را ناگزیر از اصلاحات جدید کرده‌اند. در این اصلاحات بر حقوق و آینده بزه دیده تاکید شده است و سیاست جنایی که تا به حال بزهکار و عوامل جرم را هدف خود قرار داده، حال رسالت دفاع از بزه دیده را به دوش می‌کشد و اصلاحاتی در زمینه رعایت حقوق بزه دیده ایجاد شده است که طی آن قربانی مستقیم جرم از حقوقی تاثیرگذار در جریان دادرسی برخوردار می‌شود. در تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ ترتیبی در نظر گرفته شده که سازمان‌های مردم نهاد به نمایندگی از برخی بزه‌دیدگان ناتوان، با اخذ رضایت قیم اتفاقی در جهت احقاق حقوق ایشان اقدام نمایند. ضمن این که ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلف به آگاه کردن بزه‌دیدگان از کمک‌های سازمان‌های فوق نموده است. بدین ترتیب سازمان‌های مذکور حق اعلام جرم (نه شکایت)، حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه و نیز حق ارائه دلیل در مرجع قضایی را دارند که متن ماده فوق قبل از اصلاح، به این سازمان‌ها حق اعتراض نسبت به رای صادر شده را نیز می‌داد که در پی اصلاح ماده، حق اعتراض به رای از متن ماده حذف گردید. اما آنچه حمایت از بزه دیده و مشارکت سازمان‌های مردمی در فرآیند کیفری را با محدودیت مواجه نموده است، یکی حصری بودن تعداد سازمان‌های مردم نهاد است که شامل بعضی از سازمان‌های مردمی نمی‌شود و تبصره ۳ ماده ۶۶ معرفی سازمان‌های مردم نهاد را در ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور واگذار نموده است. دیگر محدودیت موجود در ماده ۶۶ آن است که در جرایم دارای بزه دیده خاص، دخالت سازمان‌های مردم نهاد منوط به کسب اجازه ولی یا قیم یا سرپرست قانونی بزه دیده است و در صورتی که ولی یا قیم یا سرپرست قانونی، مرتکب جرم شده باشند، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تایید دادستان، اقدام‌های لازم را انجام می‌دهند.

(فیروزی، ۱۳۸۹: ۲۹)

در مورد به رسمیت شناختن بزه دیده جرایم بیوتروریستی می توان گفت که با وقوع جرایم بیوتروریسم ارتباط بزه دیده بیوتروریستی با دستگاه عدالت کیفری آغاز می شود و با شروع شدن فرآیند کیفری ضرورت حمایت از بزه دیده بیوتروریستی نیز احساس می شود که این حمایت ها می بایست منجر به یک دادرسی عادلانه و منصفانه شود. البته این را نباید از نظر دور داشت که لازمه تحقق الگوی مناسب حمایت از بزه دیده بیوتروریستی به رسمیت شناختن بزه دیده در فرآیند کیفری است و این به رسمیت شناختن بدین معناست که دستگاه های عدالت کیفری به این حقیقت برسند که در اثر وقوع جرایم بیوتروریسم کسی که به عنوان بزه دیده واقع می شود نیاز به کمک و خدمت رسانی مناسب دارد.

۵-۳. مورد توجه قرار گرفتن و رفتار کرامت مدار بزه دیده بیوتروریسم

کسی که قربانی جرمی شده، نیازمند تشفی خاطر است و انتظار دارد مقامات قضایی و انتظامی بدو با وی رفتار مناسب و درخور شان وی داشته باشند. هرگونه بد رفتاری و ناملایمات و عدم توجه به وی از بدو شکایت در مراحل مختلف رسیدگی می تواند منجر به بزه دیدگی ثانوی وی شود. بزه دیدگی ثانوی یا فرعی «شامل ناملایماتی می شود که شاکی یا بزه دیده ممکن است در مراجع پلیسی و مرجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع، متحمل شود. یعنی در واقع؛ فشارها، بداخلاقی ها، بی حرمتی ها، تندخویی ها و ناملایماتی که بزه دیده ممکن است در جریان فرایند کیفری متحمل شود و بر آن بزه دیدگی اولیه و اصلی اش که بابت آن در مراجع مربوطه شرکت کرده است، افزوده شود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۳)

بنابراین، مقنن برای حمایت از این حق اولیه بزه دیده در فرایند دادرسی، مقامات قضایی و

انتظامی را موظف کرده است که با رفتار مناسب و رعایت نزاکت اخلاقی ترتیبات لازم را برای دادخواهی او فراهم کند. در راستای حمایت از بزه دیده بیوتروریسم، به موجب ماده ۴ «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»، رفتار با بزه دیدگان باید با همدردی و احترام به شان آنان همراه باشد. آنان در برابر آسیبی که به آن دچار شده اند، شایسته دسترسی به ساز و کارهای عدالت و جبران فوری اند، آن گونه که در قوانین داخلی پیش بینی شده است. بنابراین، بزه دیده بیوتروریسم مستحق آن است که فارغ از هرگونه تبعیض و صرف نظر از وابستگی های نژادی، قومی، ملی، جنسی و گرایش های سیاسی، مورد احترام و حمایت مساوی قرار گیرد (آماده، ۱۳۸۱: ۳۵)

در زمینه مورد توجه قرار گرفتن بزه دیده بیوتروریسم راه کارهایی مانند برگزاری گردهمایی ها و جلسه های بحث و تبادل نظر در خصوص حقوق، نیازها و مطالبات بزه دیدگان بیوتروریسم،

توزیع بروشورها و تهیه کتابچه راهنمای همگانی برای آگاهی عموم افراد جامعه نسبت به نیازها و حقوق بزه‌دیده بیوتروریسم پیشنهاد می‌شود. (حسامی، ۱۳۹۵: ۲۳) علاوه بر این رسانه‌های جمعی می‌توانند مشارکت فعالانه‌ای داشته باشند؛ یکی از ابزارهای مهمی که دولت‌ها برای عملی ساختن خدمات رسانی به بزه دیدگان بیوتروریسم و افزایش آگاهی همگانی می‌توانند به‌طور خاص استفاده نمایند، رسانه‌های گروهی مانند صدا و سیما، مطبوعات و نشریه‌ها می‌باشد. این رسانه‌ها از یک سو با شناسایی و تحلیل معضلاتی که افراد بزه‌دیده بیوتروریسم پس از تجربه نمودن بزه‌دیدگی با آنها روبه‌رو می‌شوند و از سوی دیگر با تهیه برنامه‌هایی که عموم را در قبال وضعیت بزه‌دیده بیوتروریسم حساس می‌گرداند می‌توانند در کاهش میزان بزه‌دیدگی آنان و نحوه صحیح کمک رسانی به ایشان نقش بسزایی ایفا کنند. (آغنی، ۱۳۹۵: ۵۲)

به‌عنوان نمونه، در ایالات متحده آمریکا یک هفته در پایان آوریل هر سال، «هفته ملی حقوق بزه دیدگان»^۱ اعلام می‌شود و جایزه‌هایی ملی به خادمان برجسته به بزه دیدگان در سراسر کشور داده می‌شود. هم‌چنین این هفته فرصتی را برای مقام‌های محلی فراهم می‌آورد تا از بزه دیدگان دلجویی کنند. وزارت دادگستری آمریکا از تهیه یک کتابچه راهنمای همگانی برای برنامه‌های کمک به بزه‌دیدگان بیوتروریسم جهت استفاده در طرح ریزی فعالیت‌های این هفته، حمایت مالی می‌کند. در این کتابچه راهنما، صدها رهنمود برای افزایش آگاهی همگانی از موضوعات مربوط به بزه‌دیده از جمله بزه‌دیده بیوتروریسم ارائه شده است. برگزاری «جشن سالانه روز اروپایی بزه‌دیده» در ۲۲ فوریه، نمونه دیگری از مصادیق حقوق ناظر به مورد توجه قرار گرفتن بزه‌دیده از جمله بزه‌دیده بیوتروریسم است (جمولی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

۵-۴. حق برخورداری بزه‌دیده بیوتروریسم از خدمات پزشکی و اجتماعی از بزه‌دیده

در این گفتار سعی بر این است که به حمایت پزشکی و روان‌پزشکی از بزه‌دیدگان بیوتروریسم و به حق برخورداری بزه‌دیده بیوتروریسم از خدمات به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

۵-۴-۱. حمایت پزشکی و روان‌پزشکی از بزه‌دیدگان بیوتروریسم

در مواردی که صدمه‌ها و آسیب‌های جسمی و روحی به بزه‌دیدگان بیوتروریسم وارد می‌شود، لازم است از ایشان حمایت پزشکی به عمل آید. حمایت‌های پزشکی و به‌ویژه روان‌پزشکی از بزه‌دیدگان بیوتروریسم، ضروری است. به دلیل گستردگی و غافلگیرکننده بودن حوادث

^۱ National Victims' Rights Week.

بیوتوروریستی، بزه‌دیدگان تا مدت‌ها در شوک ناشی از درمان آن به سر می‌برند و نیازمند درمان‌های پزشکی و روان‌پزشکی‌اند. (شیریان، ۱۳۹۲: ۸۳) بزه‌دیدگان بیوتوروریسم برای بهره‌مند شدن از حمایت‌های پزشکی بایستی مشمول قواعد عام مطرح در اسناد بزه‌دیده‌شناسی قرار گیرند. اصول ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت ۱۹۸۵ بر کمک‌های پزشکی و روان‌پزشکی به بزه‌دیدگان تأکید دارد. در این اعلامیه بزه‌دیدگان مستحق دریافت کمک مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی دانسته شده‌اند، خدمات بهداشتی و اجتماعی باید در دسترس بزه‌دیدگان قرار گیرد و افرادی که با بزه‌دیدگان در ارتباط هستند مانند افسران پلیس، دست‌اندرکاران عدالت و ماموران خدمات بهداشتی و اجتماعی باید آموزش کافی ببینند. (آرون، ۱۳۸۱: ۳۹)

مطابق اصل ۱۹ «دولت‌ها موظفند کمک و حمایت مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی لازم را در قوانین داخلی بگنجانند». همچنین، پیشنهاد ۱۸ و پیشنهادهای ۲۵ تا ۲۹ «گروه کاری سال ۱۹۹۸ فرانسه» در زمینه ارائه کمک‌های پزشکی و روان‌پزشکی می‌باشد. به عنوان مثال، پیشنهاد ۲۵ مقرر دارد: «دفا تر پذیرش بیمارستانی، سرویس‌های اضطراری به طور ویژه و واحدهای پزشکی - قضایی که بزه‌دیدگان از جرایم عموماً به آنجا مراجعه می‌کنند، باید دخالت روان‌شناسانه در مورد بزه‌دیدگانی که وضعیت روحی شان اقتضا دارد را تأمین نموده، دفا تر ویژه کمک به بزه‌دیدگان را سازمان دهند». هم‌چنین مطابق پیشنهاد ۲۹ شیوه‌های کار بالینی، هم‌بزه‌دیدگان مستقیم و هم‌بزه‌دیدگان غیرمستقیم را شامل می‌شود (لپز و فیلیزوال، ۱۳۸۹: ۱۶۰) در قوانین موضوعه نیز تصویب «قانون خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۲۳ خرداد ۱۳۴۵» و یا ماده ۳ «قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۶۷» اهتمام قانون‌گذار کشور ما را به منظور کمک جدی به بزه‌دیدگان و رفع آسیب‌های احتمالی آنان نشان می‌دهد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۴)

۵-۴-۲. ارتقای سطح آگاهی بزه‌دیده بیوتوروریسم

«ارتقای سطح آگاهی» از جمله سازکارهای مهمی است که می‌تواند برای حمایت از بزه‌دیدگان بیوتوروریسم راهگشا باشد و نقش مؤثر در کاهش بزه‌دیدگی آنها در این زمینه ایفا نماید. براساس یافته‌های روان‌شناسان، نداشتن آگاهی موجب ابهام نسبت به موقعیت می‌گردد و در نتیجه به آسیب‌پذیری و تسلیم منجر می‌شود. به همین دلیل برای پیشگیری از بروز آسیب دیدگی در جرایم بیوتوروریستی لازم است این آگاهی را از سنین پایین و در مدارس با کمک معلمان و با نظرات مشاوران تربیتی شروع نمود. این مهم در برخی کشورها از جمله ایران که

تعداد قابل ملاحظه‌ای از شهروندان حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند نسبت به موقعیت و جایگاه خویش و همچنین حقوق انسانی و امتیازات خود بیگانه‌اند از اهمیت بسزایی برخوردارند. (یک‌رنگی، ۱۳۹۸: ۲۸)

بنابراین می‌توان با بالا بردن سطح آگاهی شهروندان از بزه دیدگی آنان پیشگیری نمود. آگاه ساختن آحاد جامعه از مخاطرات حملات بی‌توروریستی و تبیین سرنوشت کسانی که به هر دلیلی بزه‌دیده این جرایم می‌شوند، از بهترین تدابیری است که می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. بنابراین، با رعایت موارد یاد شده، جامعه بین‌المللی، نمای بهتری خواهد یافت و یادگیری چنین مهارت‌هایی می‌تواند در خود باوری، هوشیاری، اجتماعی شدن، هنجارپذیری و توانمندی آحاد جامعه کمک کرده، از بزه‌دیدگی و آسیب‌پذیری آنان در این حوزه جلوگیری نمود. در ایران در رابطه با حق آگاهی بزه‌دیدگان در خصوص حقوق‌شان در قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری مکلف شده‌اند، بزه‌دیدگان را از حق درخواست جبران خسارت و دریافت خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی مطلع سازند.

۳-۴-۵. ایجاد مرکز حمایت از بزه‌دیده گان بی‌توروریسم

ایجاد پناهگاه‌های امن توسط انجمن‌های مردمی یا نهادهای قضایی دولتی مانند پلیس برای پناه دادن به بزه‌دیدگان بی‌توروریسم به‌عنوان «خانه امن»^۱ و اسکان مناسب آنان همراه ارائه امکانات و خدمات ترمیمی و درمانی سریع، تامین نیازهای مالی و در نهایت مساعدت حقوقی به آنان جهت چگونگی شکایت کیفری و پیگیری این فرایند در حوزه عدالت کیفری یکی از راهکارهای مناسب و عملی است که می‌تواند در حمایت و ترمیم شرایط آسیب دیده بزه‌دیده بی‌توروریسم در این فضا نقش مؤثری ایفا نماید و آنها را از بزه‌دیدگی مکرر و خشونت مضاعف نجات دهد. (یزدانیان، ۱۳۹۸: ۳۲)

این مهم در بسیاری از کشورها، از دیر باز به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر مورد توجه قرار گرفته است به‌عنوان نمونه در فرانسه از سال ۱۹۸۲ وزارت دادگستری «دفتر حمایت از همه بزه دیدگان» را ایجاد کرد و در ادامه همین برنامه از سال ۱۹۸۴ «مؤسسه ملی کمک به بزه‌دیدگان»^۲ تشکیل شد و در حال حاضر ۱۵۰ انجمن دیگر کمک به بزه‌دیده در این زمینه فعال اند و از دولت و مؤسسات عمومی محلی کمک‌های مالی دریافت می‌نمایند. این مؤسسه پانصد دفتر

^۱ safe house.

^۲ Office for the Protection of Victims.

پذیرش در سراسر فرانسه دارد و هر ساله حدود ۷۵ هزار بزه دیده را در زمینه‌های میانجیگری، تهیه لایحه و شکایت، معاضدت قضایی و پیشگیری از بزهکاری، کمک و راهنمایی می‌کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۲۳۴)

نتیجه گیری

در بحث حمایت از بزه‌دیدگان بیوتروریسم، اغلب مکانیسم‌های حمایتی موجود، متأثر از حقوق داخلی است. در حقوق بین‌الملل کیفری، ضمانت اجراها همچنان در حال توسعه هستند. اگرچه اسناد خاص بین‌المللی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان بیوتروریسم بسیار اندک و انگشت شمارند، اما همین اسناد محدود نیز در این خصوص بسیار راهگشا است و مقدمه‌ای است برای تدوین قوانین بین‌المللی بیشتر. برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد حمایت از بزه‌دیدگان بیوتروریسم را ضروری دانسته‌اند. اسناد منطقه‌ای نیز در این زمینه موجود است. در اسناد اتحادیه اروپا بزه‌دیدگان بیوتروریسم مشمول حمایت‌های خاص قرار گرفته‌اند. در صورتی که بزه‌دیده بیوتروریسم مشمول یکی از قوانین پراکنده فوق قرار نگیرد، با کمک اسناد عام بزه دیده شناسی می‌توان به حمایت مؤثر از آنها پرداخت. منظور از اسناد بزه دیده شناسی، اسنادی چون «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت بزه‌دیدگان جرایم خشونت بار» ۱۹۸۳، «اعلامیه اصول بنیادین عدالت در مورد بزه‌دیدگان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت» ۱۹۸۵ است. تفاوت‌های بزه‌دیدگان بیوتروریسم با سایر بزه‌دیدگان، آنها را مستحق توجه و حمایت ویژه می‌سازد. برخی از این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌های فردی است و برخی دیگر ناشی از ماهیت بیوتروریسم. در اغلب جرایم بیوتروریستی زنان و کودکان بزه‌دیدگان اصلی هستند که به دلیل بی‌گناهی محض در اسناد عام بزه‌دیده شناسی همواره مورد حمایت قرار گرفته‌اند و حمایت از آنان که در حملات گسترده بیوتروریستی دچار آسیب‌های فراوان جسمی و روحی می‌گردند، ضروری است.

در راستای حمایت از بزه‌دیدگان بیوتروریسم قبل از هر چیز حمایت قضایی یا مجازات عاملین بیوتروریسم در تشفی خاطر بزه‌دیدگان این جرم و نیز بازگشت امنیت به جامعه بسیار مؤثر است. البته، در این راستا ضروری است تعقیب، دستگیری، محاکمه و مجازات بیوتروریست‌ها کاملاً مطابق با ضوابط قانونی و مراعات عرف بین‌المللی صورت گیرد. حمایت‌های پزشکی و روان پزشکی از بزه‌دیدگان بیوتروریسم گونه دیگری از حمایت‌هاست. در جرایم بیوتروریستی آسیب‌های جسمی و روحی فراوانی ایجاد می‌شود که ضرورت‌های پزشکی و روان پزشکی را

توجیه می‌نماید. اسناد بین‌المللی موجود این حمایت‌ها را بیان نموده‌اند. در این زمینه هم نهادهای دولتی و هم نهادهای غیردولتی قادر به ارائه کمک به بزه‌دیدگان می‌باشند. صلیب سرخ که نهادی غیردولتی است، از نهادهای ارائه دهنده کمک‌های پزشکی است که به یاری کلیه افراد نیازمند می‌شتابد و بزه‌دیدگان بیوتروریسم نیز می‌توانند مشمول این حمایت‌ها قرار گیرند. آنچه بیش از سایر حمایت‌ها در اسناد بین‌المللی و داخلی کشورها در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان بیوتروریسم پیش‌بینی شده است، حمایت مالی یا جبران خسارت بزه‌دیدگان است. جبران خسارت از طریق کمک‌های دولتی، صندوق‌های ملی با مشارکت دولت و مردم، نهادهای غیردولتی و داوطلبانه و مؤسسات بیمه میسر است. ارائه کمک به بزه‌دیدگان منوط به شناسایی و دستگیری متهم نخواهد بود.

حمایت پلیسی و امنیتی از بزه‌دیدگان بیوتروریسم نیز یکی دیگر از راه‌های حمایت از این نوع از بزه‌دیدگان است. این مراجع یکی دیگر از نهادهای حمایت کننده از بزه‌دیدگان بیوتروریسم هستند. پلیس قبل، بعد و در حین وقوع جرایم بیوتروریستی وظایفی را عهده دار است. هنگام وقوع و پس از وقوع جرایم باید به تعقیب افراد مظنون پردازد و در کشف این جرایم و مرتکبان آن دستگاه قضایی را یاری دهد، مراجعات مقدماتی بزه‌دیدگان را پاسخگو باشد و نقش ضابط دادگستری را به درستی انجام دهد. شناسایی سریع‌تر و زود هنگام مرتکبان جرایم بیوتروریستی در تشفی خاطر و دسترسی سریع‌تر به حقوق و حمایت‌ها از جانب بزه‌دیدگان مؤثر است. پیش از وقوع جرایم بیوتروریستی نیز پلیس وظیفه دارد نظم و امنیت را در اجتماع برقرار سازد.

یکی دیگر از انواع حمایت‌ها از بزه‌دیدگان بیوتروریسم تامین امنیت بزه دیده و شهود وی می‌تواند باشد. تامین امنیت بزه دیده بیوتروریسم و شهود وی در مراحل دادرسی کیفری از مهم ترین حقوق بزه‌دیده به شمار می‌آید. چرا که منجر به افزایش امنیت روانی، کاهش فشارهای روانی و آسیب‌های وارده ناشی از وقوع جرم و حفاظت از هویت و زندگی خصوصی او می‌شود. با تامین امنیت بزه دیده بیوتروریسم او را مصون از آسیب‌های احتمالی ناشی از عدم امنیت روانی موجود در دادرسی کرده و این خود باعث پیشرفت در روند تحقیقات و دادرسی با تاثیر مثبتی که بر روی بزه‌دیده دارد می‌شود. بر این اساس، یکی از حقوق اساسی بزه‌دیدگان بیوتروریسم تامین امنیت آنان در فرایند دادرسی عادلانه است. تامین امنیت بزه‌دیده از مهم‌ترین حقوقی است که از شروع جریان دادرسی تا پایان آن، باید برای بزه دیده بیوتروریسم فراهم شود تا بتواند به دور از هرگونه تهدید، اعم از مالی و جانی و با اطمینان از این که به زندگی خصوصی او و خانواده‌اش و محل‌های کسب و کار وی به تبع اعلام جرم، خللی وارد نمی‌شود دادخواهی نماید.

تهدید امنیت بزه دیده از جرایم علیه عدالت قضایی است. تامین امنیت بزه دیده از جمله بزه دیده بیوتروریسم و شهود وی در مراحل دادرسی کیفری در ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است.

یکی دیگر از انواع حمایت‌ها از بزه‌دیدگان بیوتروریسم حمایت عاطفی است؛ چرا که هر جرمی گذشته از خسارت‌های مادی، آزدگی خاطر بزه دیده را نیز به همراه دارد. این آزدگی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات فرد یا حیثیت شخص بر می‌خیزد و در جرم‌های مختلف بازتاب‌های گوناگون دارد. در این میان، حمایت عاطفی از بزه‌دیده بیوتروریسم شامل کمک‌های روان‌شناسانه‌ای است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان انجام می‌شود و پیش از هر چیز نقش روان‌شناسان و روان‌کاوان در آن برجسته است. حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان را می‌توان از رهگذر مراکز خصوصی روان‌درمانی بهره‌مند از روان‌شناسان متخصص تضمین کرد. جبران خسارت معنوی بزه دیده از جمله الزام بزه‌کار به پوزش از بزه دیده به جای جبران مادی و پرداخت پول است. لذا جبران خسارت و ضرر و زیان‌های عاطفی همان حمایت عاطفی است که با حمایت مادی یعنی پرداخت پول و جبران ضرر و زیان مادی کاملاً متفاوت و حساس‌تر است چرا که با روح و روان و عاطفه اشخاص مرتبط بوده و اهمیت بیشتری دارد، در حالی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

رفتار کرامت مدار با بزه دیده بیوتروریسم نیز از جمله حمایت‌های دیگری است که در این زمینه قابل طرح است. کسی که قربانی جرمی شده، نیازمند تشفی خاطر است و انتظار دارد مقامات قضایی و انتظامی بدو با وی رفتار مناسب و درخور شان وی داشته باشند. هرگونه بدرفتاری و ناملایمات و عدم توجه به وی از بدو شکایت در مراحل مختلف رسیدگی می‌تواند منجر به بزه دیدگی ثانوی وی شود. بنابراین، مقنن برای حمایت از این حق اولیه بزه دیده در فرایند دادرسی، مقامات قضایی و انتظامی را موظف کرده است که با رفتار مناسب و رعایت نزاکت اخلاقی ترتیبات لازم را برای دادخواهی او فراهم کند.

منابع

۱. آغنی، آناهیتا، مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار بیوتروریسم در ایران و حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ۱۳۹۵.
۲. آماده، غلامحسین، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۵.

۳. اسدی جونوشی، محمد و وروائی، اکبر، سیاست جنائی تقنینی ایران در خصوص تروریسم علیه آب، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره چهل و نه، شماره یک، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۴. حاتمی، حسین، (۱۳۸۱) اپیدمیولوژی و کنترل بیماری‌های مرتبط با بیو تروریسم، کرمانشاه: دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، انتشارات مرکز نشر صدا، چ.اول.
۵. حیران، محمدرضا، قابلیت جرم‌انگاری بیوتروریسم در نظام عدالت کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، پاییز ۱۳۹۸.
۶. حسامی، سمیه، حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵.
۷. حیدری، الهام و صفری کاکرودی، عابدین، جایگاه پلیس در حمایت از اطفال بزه‌دیده، همایش پلیس و نظام عدالت کیفری برای کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۸۸.
۸. حسینی دوست، سید رضا و دیگران (۱۳۸۱) بیوتروریسم و سلاح‌های بیولوژیک، تهران، انتشارات اندیشمند، چ.اول.
۹. خلیلی سامانی، لایلا، جبران خسارت بزه دیدگان جنایات تروریستی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، ۱۳۹۱.
۱۰. داودی فرد، مهدی، و حبیبی، داود و حبیبی، غزل و پورابتهاج، محمد، ۱۳۹۲، دفاع بیولوژیک و اهمیت آن در بهداشت عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
۱۱. دلماس مارتی، میری، نظام‌های بزرگ سیاست‌جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
۱۲. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی در پرتو اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، سال چهارم، شماره هفتم، ۱۳۸۴.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیدگان: حقوق و حمایت‌های بایسته، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هجدهم، شماره بیست و نهم، ۱۳۹۵.
۱۴. سماواتی پیروز، امیر، ناتوانان بزه دیده: از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و دوم و پنجاه و سوم، ۱۳۸۴.

۱۵. شیریان، امین، بررسی وضعیت زنان بزه دیده در نظام عدالت کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۹۲.
۱۶. صفاری، علی، درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و انواع آن، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۱۷. عمید، حسن، (۱۳۸۶) فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ.سی و پنجم.
۱۸. فیروزی، گلناز، حمایت از کودکان بزه دیده ناشی از خشونت خانوادگی در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، ۱۳۹۵.
۱۹. لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه دیده و بزه دیده‌شناسی، ترجمه روحالدین کرد علیوند و احمد محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
۲۰. مینایی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۷) عوامل جنگ نوین (۲)، تهران: انتشارات معاونت آموزش و نیروی انسانی ستاد مشترک سپاه، چ. اول.
۲۱. هاشمی، رامین، سیاست کیفری ایران در قبال بیوتروریسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، خرداد ماه ۱۳۹۸.
۲۲. یکرنگی، محمد و واحدی، مجتبی، راهبردهای نظام سیاستگذاری کیفری ایران و بین الملل در مقابله با تهدیدهای امنیتی بیوتروریسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸، پاییز ۱۳۹۳.
۲۳. یزدانیان، علیرضا، مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال تروریستی در جبران خسارت فراموش شدگان ناشی از تروریسم در ایران و فرانسه، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.
۲۴. یوسفی مراغه، مهدی، نگرشی نو در بزه دیده شناسی حمایتی: خدمات رسانی به بزه دیدگان، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۱.

25. Reisman W. M. Illusion and Reality in the Compensation of Victims of International Terrorism, Hugo Black Lecture, Alabama Law Review, winter, 2003.
26. Beaty, David and Others, New Direction from the Field: Victims' Rights and Services for Th 21th Century, (U.S. Department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime), Washington D.C, 2006.
27. http://www.cbsnews.com/8301-504736_162-57512961-10391704/nine-confirmed-hantavirus-cases-linked-to-yosemite-says-national-park-service/
28. <http://www.strategic-culture.org/news/2012/09/19/bioterrorism-and-the-new-world-order-i.html>

29. <http://www.journaliststoolbox.org/archive/military-and-bioterrorism>.
30. <http://www.4thmedia.org/2012/09/21/bioterrorism-and-new-world-order-us-biological-warfare-programs-earth-unable-to-sustain-high-rates-of-population-growth>.
31. <http://www.wired.com/medtech/drugs/news/2005/12/69595>.
32. http://www.allgov.com/US_and_the_World/ViewNews/US_Drug_Companies_Save_Money_by_Testing_New_Products_on_Poor_Foreigners_110809.
33. http://www.allgov.com/US_and_the_World/ViewNews/Drug_Companies_Still_Outsourcing_Dangerous_Trials_to_Poor_Nations_120313.
34. <http://www.aljazeera.com/programmes/faultlines/2011/07/2011711112453541600.html>.
35. <http://newamericamedia.org/2011/08/us-pharmaceutical-companies-testing-drugs-on-indias-poor.php>.
36. www.vaja.ir ۷۲۷، ۱۸ کدخبر، سایت دانشگاه دفاع ملی نیروهای مسلح ایران. کدخبر ۱۳۹۹ آذر.
37. www.paydarymelli.ir ۷۲۷، ۱۸ آذر، محل تولید سلاح‌های "بیولوژیک" آمریکا، کدخبر ۷۲۷، ۱۸ آذر ۹۹ سایت پایداری ملی،